



با توجه به زمان انتشار این شماره یاد و تقارن آن با مراسم اربعین شیخ الفقهاء آیت الله العظمی اراکی قدس سره، مراجعه‌ای داشتیم به آرشیو خاطرات که خوشبختانه سالیانی پیش ضبط خاطراتی را از مغفوره توفیق یافته بودیم؛ هر چند که از مقدار موفقیت خود چندان خشنود نیستیم. به هر حال بخشی از آن خاطرات را که به تأسیس حوزه علمیة قم راجع است و هم اولین صفحات نخستین جلد تاریخ شفاهی انقلاب را - که امید است به زودی منتشر شود - مایة تبرک و زینت بخش صفحاتی از این شماره یاد ساختیم.

خاطرات آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی از

تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله العظمی حاج شیخ
عبدالکریم حائری

قبل از آمدن مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، حوزه ای در قم وجود نداشت. با اینکه قبلاً علمای برجسته‌ای مانند میرزای قمی، حاج شیخ ابوالقاسم زاهدی، آقا شیخ مهدی پایین شهری و... در قم سکونت داشتند، لکن تقدیر الهی نبود حوزه‌ای در قم تشکیل شود. با اینکه میرزای قمی مقام علمی والایی داشت - ایشان صاحب کتاب قوانین و از مؤسسين علم اصول بود - مع ذلک حوزه‌ای در این شهر منعقد نشد. تا اینکه خداوند در دل حاج شیخ عبدالکریم که ساکن کربلا بوده، می‌اندازد تا نذر کند به زیارت حضرت امام رضا (ع) برود.

پس از مراجعت از مشهد به سلطان آباد، حاج شیخ با این مسأله مواجه می‌شود که به کربلا برود و یا در ایران بماند. از طرفی، موطن اصلی او کربلا بود، و از طرفی رها کردن حوزه جدید التاسیس را صلاح نمی‌دید. تکلیف شرعی او را ملجأ به توقف می‌کند در صورتیکه قبلاً هیچ قصد توقف در ایران را نداشته است.

پس از چندی علمای قم تدارک می‌بینند ایشان را به قم بیاورند، برای اینکه قم جزء مشاهد مقدسه شده بود. از این رو ایشان را به عنوان «زیارتی عید نوروز» به قم می‌آورند. همچنین حاج شیخ عبدالکریم را مجبور می‌کنند تا در صحن نو حضرت معصومه، نماز مغرب و عشا را به جماعت برپا کند. بعد از اقامه نماز، حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی به توصیه علماء، به منبر می‌رود و مردم را تهییج می‌کند که: «ایشان را نگه دارید!» مردم قم بایک شوق و حال مخصوصی به ایشان می‌گروند. حتی بعضی می‌گویند که: «ای اهل قم زمانی که دعبیل خزاعی به قم آمد و جبهه امام رضا را به همراه آورد، شما نگذاشتید که جبهه امام رضا را از شهرتان بیرون برند، این شیخ علم امام رضا را آورده است، نگذارید که او از این شهر برود»

مرحوم حاج شیخ مدتی در این باره فکر کرد و عاقبت قرار شد استخاره کند. وقتی

استخاره کرد، این آیه آمد «وأتونی بأهلکم أجمعین» (یوسف / ۹۳). آیه مربوط به قضیه حضرت یوسف است که به برادرانش می گوید: «بروید پدرم را با اهل و عیال بردارید و بیاورید.» مرحوم حاج شیخ نیز، با الهام از این آیه، دستور داده بروند و اهل و عیالش را به قم بیاورند باورود ایشان به شهر قم، حوزه علمیه حیات تازه‌ای را آغاز کرد.

در آستانه انتشار یاد، خبر درگذشت شادوران مهندس مهدی بازرگان انتشار یافت. فرصت را در انتشار وصیتنامه آن مرحوم - به نقل از روزنامه اطلاعات - مغتنم شمرده، برای آن فقید طلب مغفرت و به بازماندگانش تسلیت می‌گوییم.

وصیت‌نامه شادروان مهندس مهدی بازرگان

وصیتنامه بنده گنهاریمقدار، محتاج هفو ورحمت پروردگار و درخواست کننده دهای بندگان مومن و مهربان ، مهدی بازرگان، به همسر عزیز خود، فرزندان دلبند با همسران گرامی آنها، نوادگان نازنین و به همه خویشاوندان با مهر و صفا، به دوستان ارجمند و به آشنایان و اهل لطف.

با اقرار به وحدانیت و ربوبیت خالق رحمن و با درود بر همه پیامبران هلی الخصوص خاتم آنها محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و بر اهل بیت طهارت و امامت.

(۱)

اولین و مهترین آرزو و توصیه‌ام به خانواده و خویشان و دوستان این است که رفتن من بر ایشان عبرت بوده، بزندگی همیشگی خیلی بزرگتری که در پیش دارند بیشتر از دو روزه دنیای گذران بیندیشند و تدارک بینند.

* متن وصیت‌نامه شادوران مهندس مهدی بازرگان که در تاریخ ۷۳/۱۰/۷ تنظیم شده. با تاکید آن مرحوم به اهمیت زندگی همیشگی خیلی بزرگتری که همه انسانها در ادامه حیات در روزه دنیایی، در پیش رو دارند؛ و با تقاضای حلالیت از همه وطلب دهای خیر، منتشر شد.

متن کامل این وصیت‌نامه در پی از نظر خوانندگان می‌گذرد:
وصیتنامه مورخ ۷۳/۱۰/۷
در خانه نارون

بسم الله الرحمن الرحيم

کل من علیها فان و یقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام